



# Human security and change in the duties and powers of the police

*Amin Mohammadi Jovini<sup>1</sup>*

*Hosein Sharifi Tarazkoochi<sup>2</sup>*

*Mohammad Barani<sup>3</sup>*

Type of article: Research article extracted from doctoral dissertation



Received: 2021.5.10

Accepted: 2021.11.1

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2022,98253

## ***Absrtact***

Human security means the conditions under which the vital and fundamental nucleus of all human lives is protected and protected. In this view, the theory is emphasized that in security studies, humans should take precedence over governments and, in addition to military threats, civilian threats should also be seen. This doctrine, in the broadest sense of the word “liberation from need” and “liberation from fear” and living with dignity, is divisible into a minimalist and a maximalist school because there is no universally accepted definition of it. The present article examines the impact of human security on the evolution of police duties and powers, emphasizing the maximalism of human security (environmental, economic, food, and health security), which states that governments must live up to their security responsibilities (protection of borders and deterrence). From foreign aggression), pay attention to other responsibilities such as health, welfare and living standards of citizens. This research is descriptive-analytical and has been written using library resources. According to the research findings, since according to the law, the establishment of order and security and the provision of public and private comfort, are among the main missions, it can be said that insecurities in these areas directly or indirectly affect the duties and powers of the police.

## ***Key Words***

Human Security, Transformation, Police Powers, Relief from Need

---

1. PhD in Public Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, amin.mohammadij@yahoo.com

2. Professor of International Law, Faculty of Law, Imam Hossein University, Tehran, Iran (Corresponding Author), hsharifit@yahoo.com

3. Associate Professor of International Law, Department of Criminology, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran, barani.afarid@gmail.com

## امنیت انسانی و تحول در وظایف و اختیارات پلیس

امین محمدی جوبنی<sup>۱</sup>

حسین شریفی طراز کوهی<sup>۲</sup>

محمد بارانی<sup>۳</sup>

نوع مقاله: پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۰



فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۲) - زمستان ۱۴۰۰\*۱۱۰-۸۹

DOR: 20,1001,1,25381946/SSJ.2022,98253

### چکیده

امنیت انسانی به معنای شرایطی است که ذیل آن، از هسته حیاتی و بنیادین تمامی زندگی‌های انسانی، محافظت و حمایت می‌شود. در این دیدگاه، این نظریه مورد تأکید قرار می‌گیرد که در مطالعات امنیتی، انسان‌ها باید مقدم بر دولت‌ها باشند و در کنار تهدیدهای نظامی، تهدیدهای غیرنظامی نیز دیده شوند. این دکترین، در وسیع‌ترین مفهوم به معنی "رهایی از نیاز" و "رهایی از ترس" و زندگی همراه با منزلت است و از آنجا که تعریف پذیرفته شده جهانی درباره آن وجود ندارد، به مکتب حداقل‌گرا و حداکثرگرا قابل تقسیم است. مقاله پیش‌رو به بررسی تأثیر امنیت انسانی بر تحول در وظایف و اختیارات پلیس با تأکید بر حداکثرگرایی امنیت انسانی (امنیت زیست‌محیطی، اقتصادی، غذایی و بهداشتی) می‌پردازد که معتقد است دولت‌ها باید در کنار مسئولیت امنیتی که برای خویش قائلند (یعنی حفظ مرزها و ممانعت از تجاوز بیگانگان)، به مسئولیت‌های دیگری چون بهداشت، وضع رفاهی و سطح زندگی شهروندان نیز توجه کنند. این تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. براساس یافته‌های پژوهش، از آنجاکه به موجب قانون، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، از عمده‌مأموریت‌های ناجاست، می‌توان بیان نمود که ناامنی‌های حوزه‌های مذکور، مستقیم و یا غیرمستقیم بر وظایف و اختیارات پلیس اثرگذار می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** امنیت انسانی، تحول، اختیارات پلیس، رهایی از نیاز

### مقدمه

در برداشت واقع‌گرایانه (رنالیسم و نئورنالیسم)، دولت‌ها هم‌چنان به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران بین‌المللی که همواره گرفتار معمای امنیت/قدرت هستند، تنها موضوع آشکار امنیت تلقی می‌شوند

۱. دانش‌آموخته دکترای حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. amin.mohammadij@yahoo.com

۲. استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). hsharifit@yahoo.com

۳. دانشیار حقوق بین‌الملل، گروه جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. barani.afarid@gmail.com

و از قرار، امنیت آنها در قبال یکدیگر، تأمین می‌گردد (Raimzhanova, 2015). آنچه در برداشت‌های سنتی از مفاهیم منافع ملی و امنیت ملی مستتر است، یکسان دانستن امنیت شهروندان و امنیت حاکمیت و دولت است. به همین خاطر، تهدیدهای امنیتی به تهدیدهای متوجه دولت‌ها، تنزل داده می‌شوند؛ اما با پایان جنگ سرد و متأثر از پدیده جهانی‌شدن، تشکیک و تردید در مفاهیم و دیدگاه‌های سنتی درباره موضوع امنیت بروز می‌کند و مطالعات انتقادی امنیت به جای توجه به امنیت دولت دارای حاکمیت، توجه خود را به "امنیت انسانی" معطوف می‌نماید (محسنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹). امنیت انسانی، در گزارش سال ۱۹۹۴ (UNDP) از یک سو، به ایمنی از خطرات دیرینه‌ای چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و از سوی دیگر، به حفاظت در مقابل حوادث ناگهانی، آسیب‌ها و گسیختگی در زندگی روزمره توجه دارد. این گزارش، دو عنصر "رهایی از هراس" و "رهایی از نیاز" را به طور هم‌زمان مورد توجه قرار داده و به عنوان عناصر امنیت انسانی معرفی و تأکید می‌نماید که ابعاد امنیت انسانی به یکدیگر وابسته بوده و تهدید نسبت به هر یک از این ابعاد، قادر به سرایت به دیگر ابعاد است (UNDP, HDR 1994: 24)؛ بر این اساس، دو دیدگاه متفاوت درباره امنیت انسانی وجود دارد: دیدگاه نخست، حداقل‌گرایانه است که بیشتر محققان کانادایی، غربی و آمریکایی روی این موضوع کار می‌کنند که امنیت انسانی را به عنوان رهایی از ترس ببینند و منظور از ترس، ترس سیاسی است که به طور خاص معطوف سیاست مدرن، به عنوان روشی برای تهدید و نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین به کارگیری می‌گردد و به ترس‌هایی که از جامعه، حکومت و به طور کلی، محیط بیرون ناشی می‌شوند یا آنکه تبعات و نتایج آنها در سطح اجتماع است، اطلاق می‌شود. دیدگاه دوم - که دیدگاه حداکثر‌گرایانه است و مدافعانی چون ژاپن دارد - معتقد است که امنیت فقط رهایی از ترس نیست؛ بلکه باید نیازمندی‌های انسان را نیز توأم با حفظ حرمت انسان شامل شود و این سه مورد (ترس، نیاز و حرمت انسانی) باید در کنار یکدیگر باشند. نقطه تمرکز گزارش حاضر هم بر همین معنا از امنیت است.

از آنجاکه براساس قانون، هدف از تشکیل ناجا، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است، از این رو، تهدیدهای مطرح در مولفه‌های امنیتی مبتنی بر رویکرد رهایی از نیاز، مستقیم و یا غیرمستقیم در ذیل وظایف و اختیارات پلیس قرار می‌گیرد. با این توصیف، پرسش مطرح در این نوشتار آن است که تحول در وظایف و اختیارات پلیس متأثر از رویکرد رهایی از نیاز چگونه ممکن خواهد شد؟ فرضیه مطرح در این چارچوب، آن است که وظایف و اختیارات قانونی پلیس،

با وجود داشتن قابلیت تبیین مولفه‌های امنیت انسانی، نیازمند تحول است. امری ضروری است. با وجود پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دکترین امنیت انسانی، هنوز وظایف و اختیارات پلیس در این حوزه‌ها به خوبی ادراک نشده و موضوع مطالعه قرار نگرفته است و در واقع، نوآوری پژوهش حاضر هم، تبیین سوال مورد اشاره و تأکید بر ضرورت تحول در وظایف و اختیارات پلیس است. آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود، واکاوی مأموریت‌های پلیس در تحقق حوزه‌های امنیتی مذکور در انطباق با مولفه‌های امنیت انسانی است تا ضمن برجسته‌سازی نقاط قوت و ضعف آن، بتوان راهبردهای مناسب را اتخاذ و موجبات تحقق این حقوق را در پرتو دکترین مزبور فراهم آورد.

نظر به اینکه مولفه‌های امنیت انسانی، ارتباط معناداری با حقوق انسان‌ها داشته و عدم رعایت ملاحظات آن از منظر افکار عمومی مستور نمی‌ماند، بنابراین، ضرورت واکاوی آن مفاهیم و بازتعریف نقش دولت و کارکردهای پلیس لازم می‌نماید. اگر روزگاری، کارکردهایی برای پلیس تعریف شده است که توان انجام آن را نیز داشت اما امروزه، برداشت مردم و دولت از قدرت، امنیت و نظم، ابزارها و شیوه‌های تهدیدکننده امنیت و نظم در جامعه، تغییر یافته و تهدیدهای فراملی، همچون تخریب محیط زیست، ناامنی‌های اقتصادی، غذایی و بهداشتی و ...، با نقش آفرینی مستقیم بازیگران خصوصی و غیردولتی افزایش یافته‌اند. در این شرایط، اتکای پلیس بر سازمان‌ها و راهبردهای سنتی، کفایت لازم را برای مواجهه با تهدیدهای و تأمین امنیت ندارد. از همین رو، تحول در وظایف و اختیارات پلیس متناسب با دکترین امنیت انسانی، امری مهم و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که این نوشتار در تلاش است تا به تشریح و تبیین آن بپردازد.

روش‌شناسی تحقیق حاضر، توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و نتایج آن در سطح ناجا و قوه قضاییه کاربرد دارد.

### پیشینه تحقیق

مفهوم امنیت انسانی، اغلب با "گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴" که توسط "محبوب الحق" تدوین گردیده بود، عجین شده است. البته این مفهوم قبل از این تاریخ نیز از سوی برخی پژوهشگران حوزه امنیت منتشر شده بود اما از این تاریخ به بعد، مفهوم امنیت انسانی، رواج بیشتری یافت و در سال‌های اخیر کاربردهای فراوانی پیدا کرد و به تناسب همین کاربردها، در مقالات متنوع، تعریف‌ها و برداشت‌هایی از آن ارائه شد که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

نجات پور و محمد یزدان پناه (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان "مفهوم امنیت انسانی و رابطه آن با

امنیت ملی" به این نتیجه رسیدند که برای تأمین امنیت بین‌المللی، ایجاد پیوندی منطقی میان رویکردهای امنیت ملی و امنیت انسانی از یک سو و دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی از سوی دیگر، ضروری است و در غیر این صورت، غلبه بر خیل عظیم تهدیدهای موجود و حمایت مطلوب از حقوق و آزادی‌های انسانی، دور از دسترس خواهد بود.

صمدی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان "تحقق امنیت انسانی در پرتو حکمرانی مطلوب" به این نتیجه رسیدند که دولت‌ها با تغییر شیوه حکمرانی در قلمرو حاکمیت خود، قادر به افزایش ضریب تأمین و تضمین امنیت انسانی خواهند شد و اصلاح ساختار حکمرانی، ضمن اتخاذ گام‌هایی جهت توانمندسازی افراد در مواجهه با ناامنی انسانی، رویکرد منسجمی جهت فراهم نمودن بستر مشارکت جامعه مدنی است.

شریفی طراز کوهی و مصطفی‌لو (۱۳۹۵)، در اثری با عنوان "مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی" بیان داشتند که لیبرالیسم سیاسی در ادامه پیشبرد برنامه توسعه خود، با هدف رهاسازی انسان از ترس و نیاز، به ارائه دکترین امنیتی روی می‌آورد که با ایجاد تغییر در مرجع امنیت و در نتیجه، محوریت بخشیدن به انسان در مطالعات امنیتی، به دنبال تأمین حداقلی شرایط زندگی برای انسان است که اقتضائات منزلت انسانی او را محقق سازد.

فونتanel و بندیکت کوروویزیر<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) طی پژوهشی با عنوان "مفهوم کلی اقتصاد و امنیت انسانی" به این نتیجه رسیدند که امنیت انسانی یک تهدید پایدار برای تعقیب مطلوبیت اقتصادی است. پذیرش این رویکرد موسع نسبت به امنیت بین‌المللی به واسطه اقتصاد انسجام‌یافته شرایط محیط زیستی، حالتی از اولویت‌های جدید جمعی را برجسته می‌سازد.

پاتریادی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان "پنجمین دوره امنیت پایدار برای امنیت انسانی" به این نتیجه رسیدند که به عنوان یک مفهوم نوین، تعریف امنیت انسانی، به طور گسترده‌ای مورد مناقشه است و آن به موضوع امنیت انسانی مرتبط است که حاکی از امنیت «برای چه کسی، از طرف چه کسی و به واسطه چه ابزارهایی» است.

آنچه پژوهش حاضر را با پیشینه‌های تحقیق متمایز می‌سازد، این است که ۱. با وجود پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دکترین امنیت انسانی، هنوز وظایف و اختیارات پلیس در این حوزه‌ها، به خوبی تبیین نشده‌است و موضوع مطالعه قرار نگرفته‌است و در واقع، نوآوری پژوهش حاضر نیز

1. Jacques Fontanel & benedict Corvaisier-Drouatr

2. Himawan bayu patriadi, Mohd. Zaini Abu bakar, Zahri Hamat

تأکید بر ضرورت تحول در وظایف و اختیارات پلیس است؛ ۲. به موجب قانون، هدف از تشکیل ناجا، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است؛ از این رو، تهدیدهای مطرح در مولفه‌های امنیتی مبتنی بر رویکرد رهایی از نیاز، مستقیم و یا غیرمستقیم در ذیل وظایف و اختیارات پلیس قرار می‌گیرد. آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود، واکاوی مأموریت‌های پلیس در تحقق حوزه‌های امنیتی مذکور در انطباق با مولفه‌های امنیت انسانی است تا بتوان راهبردهای مناسب را اتخاذ و موجبات تحقق این حقوق را در پرتو دکترین مزبور فراهم آورد؛ ۳. مقاله پیش رو، تاکنون از سوی اندیشمندان حقوق، مورد واکاوی قرار نگرفته و تأثیر و تأثر متغیر وابسته و مستقل بر هم (در قالب آینده‌پژوهی)، ملحوظ نظر واقع نشده است؛ ۴. نوشتار حاضر از منظر حقوق عمومی مورد بحث و فحص قرار گرفته است.

## مبانی نظری پژوهش

### الف. مفهوم امنیت

از نظر لغوی، واژه امنیت به معنای "بدون ترس" است. واژه‌ای منعطف که ممکن است شامل ترس از تهدیدهای بزرگ بر ضد بشریت یا مسائل کوچک باشد. امنیت در سیاست داخلی، منطقه‌ای و جهانی، بیشترین ارتباط معنایی را با مفهوم ترس دارد و آن هم چیزی نیست جز تهدیدی بر ضد زندگی بشر که به او آزار می‌رساند یا او را در معرض نابودی قرار می‌دهد (هاوگ، ۲۰۰۴: ۱۹۱) از نظر مازلو، "امنیت"، از دیرپاترین آمال و شروط به‌زیستی انسان و ابزار حرکت به سوی خودشکوفایی است. در اولویت‌بندی او، پس از نیازهای اولیه (هوا، غذا، مسکن و پوشاک)، نیاز به امنیت قرار دارد و سایر نیازها، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

امنیت، احساس برخاسته از ساختارها و فرآیندهایی است که در آنها، فرد خود را در برابر هر گزند عینی یا ذهنی، ماندگار تلقی کند. بر این اساس، متناسب با مرجع امنیت، ترکیب‌های مختلفی از آن ساخته می‌شود که هر یک متناسب با پارادایم حاکم، تعریف ویژه‌ای می‌طلبند (کویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۸۱)؛ همچنین، امنیت، مفهومی چندلایه است؛ یعنی گاهی به معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و گاهی اطمینان از سلامت جان، مال و ناموس است؛ پس امری استنباطی به‌شمار می‌رود که واقعیت یافتن آن در محیط، مستلزم اقداماتی ویژه است. این حکم در مورد کشورها نیز جاری است؛ امنیت یک کشور، یعنی داشتن یا به‌دست آوردن اطمینان از سلامت "موجودیت" و "مایملک"، در مورد "اعتبار و موقعیت" و نسبت به همه آنچه زیر چتر "منافع" قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

به طور کلی، امنیت، به معنای مصونیت ارزش‌های نادر انسان یا جوامع، از مخاطره‌های طبیعی و انسانی است. امنیت، فارغ از عینی یا ذهنی بودن، زیربنای تمام پیشرفت‌ها بوده است؛ بنابراین، جست‌وجوی امنیت، مهم‌ترین انگیزه انسان است که با جوهره هستی انسان، پیوندی ناگسستنی دارد (قادری حاجت و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۹). و لفرز، تمایز مهمی بین امنیت عینی و ذهنی قائل شده است؛ یعنی نبود تهدیدهای بر ضد ارزش‌های مکتسب در مقابل نبود ترس از اینکه این ارزش‌ها مورد حمله قرار گیرند (شیهان، ۱۳۹۵: ۱۸). فرهنگ معین، واژه امنیت را از ریشه لغوی "امن" و در لغت به معنی "در امان بودن، عدم بیم، آسایش و بی‌هراسی" معنی نموده است (معین، ۱۳۸۸: ۳۵۴) و در فرهنگ عمید نیز "ایمنی، آرامش و آسودگی" تعریف شده است (عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳). البته بحث امنیت، در هر زمانی معنایی خاص داشته است؛ در اندیشه هابز، معنای "حفظ جان و صیانت نفس" داشته و در زمان لاک، "حفظ اموال و دارایی" به آن ملحق شده است (اشتراوس، ۱۳۷۳: ۶۲). امنیت در عام‌ترین معنای خود، عبارت است از "رهایی از خطر" و یا در معنای ذهنی آن، "رهایی از ترس" (فن تیگرستروم، ۱۳۹۳: ۱۰). امنیت هرگز وضعیت موجود امور نیست؛ بلکه هدفی است که نیل به آن، مستلزم تلاش‌های مستمر است (تاموشات، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

### ب. امنیت انسانی

آغاز به کارگیری مفهوم امنیت انسانی در مباحث بین‌المللی به گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل بازمی‌گردد؛ اما قبل از آن، در گزارش سال ۱۹۹۳ برنامه توسعه سازمان ملل مطرح شده بود که «مفهوم امنیت، باید از تأکید صرف بر امنیت ملی، تسلیحات و سرزمین؛ امنیت مردم و دغدغه‌های ضروری‌تری چون افراد، توسعه انسانی، غذا، اشتغال و محیط‌زیست را دربرگیرد» (UNDP, HDR 1993, P2). در باب اینکه هدف امنیت در جوامع چیست و اولویت با امنیت حکومت است یا امنیت مردم، دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه‌های دولت‌محور و دیدگاه‌های مردم‌محور. در دیدگاه "دولت‌محور"، هدف مرجع امنیت، دولت است؛ اما در رهیافت‌های "انسان‌محور"، مردم هدف مرجع امنیت هستند. مقوله امنیت انسانی، از نوع دوم است و به عبارتی، دیدگاه دولت‌محور را به چالش می‌طلبد و معتقد است که امنیت انسانی هدف است و دولت ابزار تحقق و تأمین آن می‌باشد (کری کینگ و همکاران، ۱۳۸۳: ۷۸۳). گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل مطرح می‌کند که نگرانی‌های مشروع مردم معمولی که امنیت را در زندگی روزمره خود جستجو می‌نمودند، به فراموشی سپرده شده است؛ برای بیشتر مردم، امنیت حاکی از حمایت از آنها در برابر تهدیدهایی چون گرسنگی، بیماری، بیکاری، جرایم، ناامنی

اجتماعی، سرکوبی و مخاطرات زیست‌محیطی است (ibid)؛ بنابراین، امنیت انسانی در گزارش سال ۱۹۹۴ از دو طریق، از یک تأکید انحصاری بر امنیت سرزمین به تأکید بیشتر بر امنیت افراد از طریق جنگ‌افزارها به امنیت از طریق توسعه انسانی پایدار قابل‌دستیابی دانسته شده است (UNDP, HDR 1994: 22). این گزارش دو عنصر "رهایی از هراس" و "رهایی از نیاز" را به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار داده است و به‌عنوان عناصر امنیت انسانی معرفی می‌کند (UNDP, HDR 1994: 24).

حاصل سخن اینکه، صاحب‌نظران در خصوص گستره مفهومی امنیت انسانی، اختلاف نظر داشته و در مورد نوع تهدیدهایی که باید اولویت داده شود و امنیتی گردد، اتفاق نظر ندارند؛ از این رو، قائلین به امنیت انسانی را می‌توان به دو نحله فکری محدودنگر (مضیق) و گسترده‌نگر (موسع) تقسیم کرد. قائلین به مکتب مضیق، امنیت انسانی را "حفاظت افراد و اجتماعات از جنگ و دیگر اشکال خشونت" دانسته و طرفداران مکتب موسع، آن را به "فراتر از رهایی از ترس و دربردارنده رهایی از نیاز" می‌دانند. در این معنا، امنیت انسانی، امنیت غذایی، برخورداری از حمایت کافی، رهایی از فقر و رهایی از تهدید نسبت به شأن انسانی را دربردارد.

### ج. مولفه‌های دکترین امنیت انسانی

#### ۱. امنیت شخصی

شناخت مفهوم امنیت مستلزم شناخت سه عنصر است: ۱. موضوع امنیت (یعنی آنچه که باید تأمین شود)؛ ۲. ماهیت تهدید (یعنی آنچه که موضوع امنیت باید در مقابل آن تأمین شود)؛ ۳. ابزار امنیت (که به‌وسیله آن موضوع امنیت در مقابل ماهیت تهدید تأمین می‌شود). زوایای مختلف یک مقوله امنیتی را می‌توان با کمک این سه عنصر تبیین کرد (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). بنابراین، امنیت شخصی به در امان بودن جسم و جان افراد از آسیب‌ها و خشونت‌های شخصی اطلاق می‌گردد که عبارتند از: امنیت از شکنجه، جنگ، بحران نژادی، جرایم خشونت‌بار و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت. گزارش UNDP نیز بر این مسئله که هیچ جنبه از امنیت انسان به اندازه امنیت از خشونت فیزیکی برای مردم حیاتی نیست، تأکید می‌نماید (UNDP, HDR 1994: 30).

#### ۲. امنیت سیاسی

امنیت سیاسی از یک‌سو، با رهایی از ترس و بعد امنیت شخصی و از سوی دیگر، با توانایی مشارکت افراد در امور جامعه خویش مرتبط است. مهم‌ترین جنبه امنیت انسانی این است که مردم در اجتماعی که متعهد به حقوق بشر است، زندگی کنند. شایع‌ترین ناامنی‌های سیاسی، نقض حقوق بشر است و اینکه دولت در کنار آن، سعی در اعمال کنترل بر اطلاعات نیز داشته باشد. شاخص



معتبر ناامنی سیاسی، اولویت دولت‌ها برای قدرت نظامی و استفاده از آن برای سرکوب شهروندان خود است؛ در نتیجه، امنیت سیاسی، رهایی از سرکوب سیاسی، شکنجه، بدرفتاری، ناپدید شدن اجباری و ... است (ibid:32).

### ۳. امنیت اجتماعی

دغدغه‌های امنیت اجتماعی بیشتر حول روابط گروه‌ها در درون یک جامعه یا ملت و تأکید بر روابط بین این گروه‌هاست. امنیت اجتماعی به عنوان یک مفهوم بسط یافته امنیت، اشاره به امنیت گروه‌های جمعی در ارتباط با دیگر جوامع و یا نهادهای دولتی دارد و به تهدیدهایی که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد، توجه می‌کند؛ زیرا یکی از مقولات مورد توجه خاص واحدهای سیاسی و کشورها جهان و منعکس کننده توان یک نظام سیاسی، توانایی آن در نظم‌آفرینی و ایجاد امنیت در ابعاد و وجوه مختلف آن است (جهان‌بین، ۱۳۸۲: ۹۵). گزارش ۲۰۱۲ (UNDP) مدرنیزاسیون، تنش‌های نژادی (قومی) و سوءرفتار با جمعیت‌های بومی را به عنوان عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی نام برده و می‌گوید: «افراد اغلب از طریق عضویت در گروه‌ها، به امنیت دست می‌یابند اما گروه‌ها نیز می‌توانند با اعمال شیوه‌های سرکوب‌گرانه، ناامنی ایجاد کنند» (UNDP, 2012).

### ۴. امنیت زیست‌محیطی

گزارش ۱۹۹۴ (UNDP) بیان می‌کند که تشدید صنعتی شدن و رشد سریع جمعیت، تأثیرات غیرقابل‌تحملی را بر زمین تحمیل نموده است. تهدیدهایی که کشورها با آنها درگیرند مانند آسیب به اکوسیستم‌های محلی، کمبود آب (که به‌طور فزاینده‌ای به عاملی مهم برای نزاع و تنش‌های سیاسی تبدیل شده است)، فقدان سیستم فاضلاب سالم (که خود، دلیل آلودگی آب است)، آلودگی هوا، بلایای طبیعی، کویرزایی (که بیشتر در کشورهای در حال توسعه به دلیل نابودی جنگل‌ها از رشد سریع‌تری برخوردار است)، جنگل‌زدایی (که یکی از مهم‌ترین اشکال از هم‌پاشیدگی زیست‌محیط است و به از هم‌پاشیدگی خاک منجر و دلیلی بر ناپایداری در تولیدات کشاورزی و ناامنی غذایی می‌شود)، فقر (که اغلب از آسیب‌هایی که بر محیط‌زیست وارد می‌شود، ناشی می‌شود؛ زیرا آسیب‌های زیست‌محیطی، فقر را تقویت می‌کند)؛ بنابراین، اولویت‌های زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه، بیشتر نگرانی منابع طبیعی و به‌طور خاص، زمین و آب هستند (ibid: 58-61).

### ۵. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی عبارت است از اطمینان از حداقل درآمد تضمین شده که یا حاصل از کار است و یا در صورت عدم امکان دریافت درآمد ناشی از کار، از طریق شبکه امنیت مالی عمومی تأمین

می‌گردد (UNDP, HDR, 1994: 25). رایج‌ترین ناامنی اقتصادی، فقر مزمن و گسترده است که به‌عنوان مشکلات برجسته اقتصادی و اجتماعی در جهان دیده می‌شود. تورم همراه رکود، بیکاری، بدهی و کاهش فرصت‌ها به بحران‌های اقتصادی وابسته هستند و به‌طور مستقیم بر گروه‌های آسیب‌پذیر، جنسیت (زنان و کودکان) تأثیرگذار می‌باشند (Jorge Nef, 1999: 45). کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ (ICRC) امنیت اقتصادی را «توانایی افراد، خانوارها و جوامع در پوشش‌دادن نیازهای ضروری‌شان به‌شکلی پایدار و عزت‌مندانه تعریف می‌کند» (ICRC, what is economic security, 2015).

### ۶. امنیت غذایی

امنیت غذایی به‌عنوان پدیده اجتماعی چندبعدی، چندلایه و میان‌رشته‌ای، مفهوم، ارکان و اجزایی دارد که به‌عنوان ارزشی اساسی و مستلزم حمایت در جامعه جهانی و ایران پذیرفته شده است و سیاست‌گذاری‌های عمومی و کلان، آن را دربرگرفته‌اند (کوشا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۲). امنیت غذایی یعنی مردم از امکان دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی اساسی برخوردار باشند که به امنیت اقتصادی نیز مرتبط است؛ بنابراین، امنیت غذایی، هم شامل وجود مواد غذایی کافی و هم قدرت خرید غذاست و به این معناست که غیر از وجود مواد غذایی کافی که از امنیت زیست‌محیطی ناشی می‌شود، باید به قدرت خرید مردم و توزیع مناسب غذا نیز توجه شود؛ چراکه امنیت غذایی، ارتباط تنگاتنگی با امنیت زیست‌محیطی و اقتصادی دارد (UNDP, HDR 1994: 27). ناامنی غذایی، تنزل در سلامتی و انسجام اجتماعی را سبب می‌گردد که خود نیز به ناآرامی منجر می‌شود. هنگامی که از امنیت غذایی بحث می‌شود، محورهایی چون عرضه کافی مواد غذایی، مصرف پایدار مواد غذایی، دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای یک زندگی فعال و سالم، مورد توجه و تأکید است (Rand, 2016: 10).

### ۷. امنیت بهداشتی

امنیت بهداشتی، هسته حیاتی و ابزاری ضروری برای دستیابی به امنیت انسانی است و بیماری، ناتوانی و مرگ، تهدیدهای حیاتی فراگیر برای امنیت انسانی هستند. سلامتی و امنیت انسانی، به‌طور جدایی‌ناپذیری با هم مرتبط هستند؛ زیرا شیوع بیماری‌های مسری - که جزء فوریت‌های بهداشتی جهان محسوب می‌شوند - بیانگر این واقعیت هستند که بیماری در مرزهای ملی محدود نمی‌شوند (Human Security Now, 96).

## وظایف و اختیارات پلیس

پلیس در تمام دنیا، به عنوان نیرویی شناخته می‌شود که وظیفه مراقبت و حفاظت از جان و مال و ناموس و... مردم را برعهده دارد، اما در تمام ادوار، وظایف و خدمات مشابهی را عهده‌دار نبوده و بسته به زمان، مکان و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، وظایف و اختیارات پلیس نیز متغیر بوده است؛ از این رو، هر چند وظیفه اصلی و حیاتی پلیس، مبارزه با جرم و کنترل بزه کاری و ستیز با هر گونه ناامنی و ناهنجاری است اما این سازمان وظایف دیگری مانند خدمات اجتماعی و فرهنگی را نیز برعهده گرفته و انجام وظیفه می‌نماید. ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران دانسته است». از آنجا که هر نهاد و سازمانی، براساس هدف و انگیزه‌ای به وجود آمده است که از یک سو، نشان‌دهنده وظایف و اموری است که بایستی توسط آن سازمان انجام پذیرد و از سوی دیگر، تفکیک‌کننده وظایف و مسئولیت‌های آن با دیگر تشکیلات و سازمان‌ها باشد، از این رو، این ماده از قانون تشکیل پلیس را باید یکی از اساسی‌ترین مواد آن دانست؛ چراکه هیچ سازمانی، بدون داشتن رسالت مشخص نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. بر این اساس، لازم است تا وظایف اصلی و وظایف فرعی پلیس مورد بررسی قرار گیرند:

### الف. وظایف اصلی

وظایفی هستند که هدف از ایجاد نیروی انتظامی، انجام آن وظایف بوده است و در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را به وظایف انتظامی، خدماتی، قضایی، اطلاعاتی، امنیتی و مرزبانی تقسیم نمود (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

### ۱. وظایف انتظامی

به کلیه اقداماتی که توسط نیروی انتظامی صورت می‌پذیرد تا مانع از ارتکاب جرم شود، وظایف انتظامی گفته می‌شود. با لحاظ ماده ۳ قانون تشکیل ناجا، ملاحظه می‌گردد که اصلی‌ترین وظیفه پلیس ایجاد نظم و امنیت و آسایش عمومی و... است که این مهم از طریق ایجاد مانع برای ارتکاب جرم توسط اشخاص و عقیم ماندن جرایم احتمالی، امکان‌پذیر است (پیشگیری وضعی).

### ۲. وظایف قضایی

وظایف قضایی وظایفی هستند که ناجا در چارچوب قانون عهده‌دار بوده و ملزم به رعایت آنها می‌باشد.

### ۳. وظایف امنیتی و اطلاعاتی

وظایفی هستند که ناجا به‌مثابه سایر سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور در زمینه جرایم و براندازی در محدوده اختیارات انجام می‌دهد.

### ۴. وظایف مرزبانی

مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوب مرزی و استیفای حقوق دولت و مرزنشینان جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها (آقاخانی و همکاران، همان).

### ۵. وظایف خدماتی

یگان‌های خدماتی ناجا در کنار مأموریت‌های خود، وظیفه خدمات‌رسانی به مردم را نیز دارا می‌باشند که شامل صدور گذرنامه، شماره‌گذاری خودرو، امور نظام‌وظیفه، تشخیص هویت و... می‌باشد (صفائی آتشگاه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸).

### ب. وظایف پشتیبانی

وظایف پشتیبانی به خدماتی اطلاق می‌شود که هدف از تشکیل نیروی انتظامی، انجام آن وظایف نبوده‌است اما به‌منظور انجام مطلوب وظایف اصلی، موظف به اجرای آنها هستند و در واقع، این وظایف لازمه انجام هر چه بهتر وظایف اصلی پلیس می‌باشد (همان).

### پلیس و امنیت انسانی با رویکرد رهایی از نیاز

انسان‌ها حق دارند که در محیط و جامعه‌ای سالم و امن زندگی کنند؛ چراکه برخورداری از محیط زندگی و اجتماع سالم، لازمه رشد بالنده انسان است؛ از این رو، دولت‌ها موظف هستند تا حد امکان، محیطی سالم را فراهم کنند تا شهروندان بتوانند در چنین محیطی، از حیاتی همراه با سلامتی و رفاه برخوردار باشند. با توجه به تأثیر و تأثر مولفه‌های امنیت‌انسانی بر هم و بر نظم و امنیت، باید گفت که هر گونه نقصان و کاستی در حوزه‌های امنیتی زیست‌محیطی، اقتصادی، غذایی و بهداشتی، ضمن ایجاد ناامنی، بر وظایف و اختیارات پلیس اثر گذار خواهد بود.

در بسیاری از کشورها، پلیس وظیفه تأمین امنیت‌انسانی را برعهده دارد؛ بدین معنی که دولت از طریق پلیس نه تنها به امنیت‌انسانی شهروندان اقدام می‌نماید بلکه مانع تجاوز دیگران به امنیت‌انسانی شهروندان می‌شود. امنیت‌انسانی در بطن خود، دو طیف مهم از نظرات را در خصوص ابعاد امنیت‌انسانی گنجانده است که عبارتند از: مفهوم مضیق و مفهوم موسع. دیدگاه مضیق

امنیت انسانی، بر تهدیدهای ناشی از خشونت سازمان یافته تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، تهدید مردم از سوی هر بازیگر سازمان یافته سیاسی، کانون مناسبی برای مفهوم امنیت انسانی است. این دیدگاه، امنیت انسانی را "حفاظت افراد و اجتماعات از جنگ و دیگر اشکال خشونت" می داند که رویکرد "رهایی از ترس" نامیده شده است (Human security report, 2005, p: VIII)؛ بنابراین، از تعریف موسع امنیت انسانی به معنای "رهایی از نیاز" متمایز است. از منظر موافقان مکتب موسع، «رهایی از نیاز، اهمیتی کمتر از رهایی از ترس ندارد و از آنجا که هدف امنیت انسانی، تضمین بقا و کرامت افراد انسانی است، ضروری است که از صرف حمایت افراد در مقابل وضعیت مخاصمه فراتر رود» (عسکری زاده، ۱۳۹۶: ۵۲). بر اساس رویکردهای مختلف از امنیت، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به ابعاد و مؤلفه های امنیت انسانی مبتنی بر "رهایی از نیاز" مشتمل بر امنیت زیست محیطی، اقتصادی، غذایی و بهداشتی و مأموریت های پلیس در آن حوزه ها پرداخته شود. همچنین، نگارندگان بر این باورند که از میان دو محور مطرح در دکترین امنیت انسانی - رهایی از نیاز و رهایی از ترس - اولویت با گفتمان رهایی از نیاز و ترجیحاً با ناامنی های زیست محیطی و اقتصادی است؛ چراکه ۱. سرزمین، عنصری اصلی از عناصر متشکله دولت - ملت (سرزمین، جمعیت و حکومت) می باشد و چنانچه قلمروی نباشد، حکومت، امکان تأسیس، استقرار، بقا و تداوم نخواهد داشت؛ ۲. تهدیدهای زیست محیطی، نسبت به انواع ناامنی ها، تأثیر گذارتر بوده و به نوعی سایر مؤلفه های امنیت انسانی، متأثر از آن هستند؛ ۳. تجدیدپذیری طولانی منابع زیست محیطی و گاه تجدیدنپذیری آنها، اقتضای ارجحیت بررسی آنها را می نمایاند؛ ۴. دامنه آثار و تبعات ناشی از تهدیدهای زیست محیطی، وسیع تر و عمومی تر بوده و جنبه ملی و فراملی دارد؛ ۵. تهدیدهای زیست محیطی در ایران رو به افزایش گذاشته است؛ ۶. امنیت زیست محیطی بستر ساز شکوفایی اقتصادی و امنیت غذایی و بهداشتی بوده و با ایمن شدن آن، تحقیقاً حوزه های دیگر نیز تا حدود زیادی ایمن خواهند شد.

### ۱. حوزه امنیت زیست محیطی

بررسی ها نشان می دهد که تهدیدهای مطرح در این حوزه - شامل کم آبی، آلودگی هوا، طوفان ریزگرد و جنگل زدایی و بیابان زایی - اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر مأموریت های پلیس در زمینه نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی داشته است. اهمیت این موضوع وقتی دوچندان می گردد که به وضعیت موجود کشور در خصوص تهدیدهای مطرح در این بخش و اثرگذاری آن بر دیگر ابعاد امنیت انسانی بنگریم. این بعد از امنیت، قابلیت ایجاد بحران محلی، منطقه ای، استانی و

حتی ملی را دارا بوده و قادر است تا امنیت شخصی، اقتصادی، بهداشتی، غذایی، سیاسی و اجتماعی را با بحران مواجه نماید. در حال حاضر نیز، وضعیت برخی استان‌های کشور در خصوص آلودگی هوا، طوفان ریزگردها و کمبود آب شیرین، از سوی برخی از مسئولان، بحرانی تلقی شده است. با این توصیف، یکی از حوزه‌هایی که انتظار می‌رود در چارچوب گفتمان امنیت انسانی، متحول گردد، حوزه امنیت زیست محیطی است. اما باید توجه داشت که بر طبق اصل پنجاهم قانون اساسی، محافظت از محیط زیست، وظیفه‌ای همگانی تلقی شده و تنها برعهده پلیس نمی‌باشد. از طرف دیگر، دامنه موضوعات مطرح در محیط زیست، به قدری وسیع است که پلیس از نظر عده و عده، به تنهایی توان مقابله با ناامنی‌های این حوزه را نخواهد داشت. این حوزه نیازمند تحولی اساسی در پیشگیری وضعی و اجتماعی با تعیین مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی از سوی قانونگذار اساسی و قوانین و مقررات موضوعه است. به دلیل واگذاری مسئولیت حفاظت از محیط زیست به همه، تأمین امنیت این حوزه، مورد انتظار شهروندان نبوده و با اهداف امنیت انسانی هم منطبق نبوده است. «در این ارتباط، هر چند مرجعیت حکومت/حاکمیت به عنوان مسئول تأمین امنیت و نظم در جامعه مفروض است، اما آنچه در فرآیند جامعه‌پذیری و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بر مبنای شهروندمداری حائز اهمیت می‌نماید، چگونگی تحقق این وظیفه و کیفیت اعمال و اجرا در اجتماع است؛ به گونه‌ای که به اعتماد واثق جامعه نسبت به این نهاد افزوده شود» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). نظر به اینکه تهدیدهای مطرح در این حوزه، بر نیازهای اولیه انسان مانند آب و غذا که لازمه حیات و بقای انسانی است، اثر گذاشته و شکوفایی و رشد مورد اشاره در طبقات نیازهای انسانی مازلو، مستلزم رفع این نیازهای اولیه است، ضرورت دارد که تهدیدهای زیست محیطی و پیشگیری و مقابله با آنها، توسط سیاست‌گذار عمومی در اولویت قرار گیرد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که اصلاح این اصل از قانون اساسی و تغییر در جانمایی آن از یک اصل منتزعه به استقرار در ذیل حقوق ملت و تأمین آن از طریق مشارکت مردمی، اصلاحات ساختاری در کلیه سازمان‌های متولی امر پیشگیری اجتماعی و وضعی را رقم بزند که در این صورت، به دلیل وسعت دامنه تغییرات و اساسی و بدیع بودن، به عنوان تحول از آنها یاد می‌شود. از آنجا که «دولت‌ها باید در درون ساختار خود، دانش و ظرفیت لازم برای نظارت بر امنیت را به وجود آورند و پلیس هم سازوکاری دولتی است که برای تحقق این هدف تأسیس شده است» (جزینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶۸)، از این رو، تأسیس قانونی "پلیس ساختمان" و "پلیس آب" با اتنای بر پیشگیری وضعی و با هدف دستیابی بیشتر به نظم و امنیت این حوزه و انطباق بیشتر مأموریت‌های پلیس با اهداف امنیت انسانی، به عنوان تحولی نو و

رو به رشد، انتظاری شایسته و بایسته خواهد بود؛ چراکه تأمین امنیت این حوزه، می‌تواند بخشی از ناامنی‌های حوزه‌های اقتصادی، غذایی و بهداشتی را تقلیل داده و کاهش تبعات احتمالی آنها در سطح جامعه را در پی داشته باشد.

## ۲. حوزه امنیت اقتصادی

در قرن بیست و یکم، شرایط به گونه‌ای تغییر کرده‌است که مردم اهمیت بیشتری به شرایط اقتصادی و سطح رفاهی خود می‌دهند. «در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب، پناه و آموزش) مربوط است. در سطوح بالاتر، امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است» (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۶۶). امنیت اقتصادی موضوعی است که هم‌اکنون جایگاهی شبیه به جایگاه امنیت نظامی و سیاسی در دو قرن اخیر دارد و در اولویت فعالیت‌های اقتصادی بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته‌است.

در حقیقت، امنیت اقتصادی، حافظ امنیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و با یک نگاه اجمالی به جهان می‌توان دریافت که کشورهای قدرتمند در حوزه جهانی، ابتدا به سطح ویژه‌ای از امنیت اقتصادی رسیده‌اند و سپس به امنیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دست یافته‌اند. در این معنا، امنیت ملی از چهار حوزه امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأمین می‌شود و زمانی می‌توان از امنیت ملی یک کشور صحبت کرد که نظام حکومتی آن کشور در حوزه‌های مذکور، مناسب و درست عمل کرده باشد. در دوران جنگ‌های جهانی و جنگ سرد، امنیت سیاسی و اجتماعی در اولویت شاخص‌های امنیت ملی قرار داشت؛ زیرا امنیت ملی هر کشوری همواره از طریق هجوم کشور دیگری در خطر بود؛ اما امروزه، حاکمیت‌هایی در جهان موفق هستند که امنیت اقتصادی را برای مردم کشورشان به ارمغان آورده و برای رسیدن به سطوح دیگر امنیت همچون امنیت سیاسی و اجتماعی تلاش می‌کنند (عطوفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

به‌طور کلی، نهادهای مرتبط با مقوله امنیت اقتصادی را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: گروه اول، نهادهای مالی هستند که شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی می‌شود؛ گروه دوم، نهادهای قضایی هستند که شامل دادگستری و پلیس می‌شود؛ گروه سوم، نهادهای اداری همچون وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی و گروه چهارم، نهادهای اجتماعی شامل مجالس قانون‌گذاری، اتحادیه‌ها و اصناف، اتاق‌های بازرگانی و احزاب سیاسی هستند (غنی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴). نحوه عملکرد و سطح کارایی هر یک از نهادها و گروه‌های فوق، تأثیر زیادی بر امنیت اقتصادی دارد و بدیهی است که هرگونه اختلال و بی‌نظمی در

عملکرد آنها، موجب آشفتگی در نظام اقتصادی شده و فضای فعالیت را برای عوامل اقتصادی ناامن می‌کند (عزتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴). بر این مبنا، جرایم اقتصادی، از آن حیث که منجر به بی‌نظمی و ناامنی در آسایش عمومی و فردی شده و امنیت ملی را نیز متأثر از خود می‌سازد، در ذیل وظایف پلیس جای می‌گیرد که این مهم به پلیس امنیت اقتصادی که متشکل از بخش‌های مختلفی چون پلیس پیشگیری، آگاهی، قاچاق کالا و... می‌باشد، واگذار گردیده است. اما نهادهای دیگری نیز با مقوله امنیت اقتصادی در ارتباطند که اغلب آنها در ذیل قوه مجریه قرار می‌گیرند؛ با این وجود، یکی از سازمان‌های مؤثر در تأمین امنیت اقتصادی، پلیس است. ناجا با کنترل مرزها، از قاچاق کالا و ارز ممانعت می‌نماید؛ بدین ترتیب، از رکود و ورشکستگی صنایع داخلی و کاهش ارزش پول ملی جلوگیری کند و همچنین، با پول شویی و فعالیت شرکت‌های نامشروع، احتکار، گران‌فروشی و مفساد اقتصادی مبارزه می‌نماید تا بستری امن برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند. پلیس از طریق مبارزه با سارقان و کشف اموال سرقتی، نسبت به حفاظت از دارایی شهروندان اقدام می‌کند و بر این مبنا، می‌توان گفت که بیشتر اقدامات پلیس در این حوزه معطوف به کشفیات است؛ بنابراین، در جهت انطباق با اهداف امنیت انسانی، لازم است تا پیشگیری وضعی بیش از گذشته در مأموریت‌های پلیس امنیت اقتصادی و مأموران اجرای قانون تشدید شود. اما آنچه مهم است، ایجاد تعادل بین انجام و اجرای قانون و نقض احتمالی قانون است که باید از سوی پلیس تمهیدی برای آن اندیشیده شود. بر این اساس، لازم است تا سیاستگذار عمومی و قانونگذار، به پایش قوانین پرداخته و با احصای نقاط قوت و ضعف موجود، خلأها و کاستی‌های مربوطه را به نحوی مرتفع نماید که کمتر نیازمند مقررات‌گذاری از سوی قوه مجریه باشد؛ زیرا بسیاری از اقداماتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در راستای پیشگیری اجتماعی از جرم اجرا می‌شود، در حیطه فعالیت‌های قوه مجریه قرار دارد. اگر پیشگیری اجتماعی به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق شود که هدف آن، حذف یا کاهش خطر عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی جرم است، این گونه استنباط می‌شود که این اقدامات معمولاً در حیطه فعالیت‌های قوه مجریه قرار دارد. حذف، کاهش و یا حتی افزایش طیف وسیعی از علل بزه‌کاری، در گرو سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی است که در قوه مجریه، تعیین و اجرا می‌شود. اگر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های نهادهای تابع این قوه با ملاحظات پیشگیرانه هم‌سو نباشد، چه بسا عامل بزه‌کاری خواهد بود. بر همین اساس، قوه مجریه باید مقررات موجود را در جهت انطباق با پیشگیری‌های اجتماعی و وضعی مورد بازبینی قرار دهد. در این میان، نقش قوه قضائیه نیز در مقام رسیدگی به پرونده‌های مطرح، از چند جهت، حائز اهمیت است: نخست اینکه، با مد نظر قراردادن



اصل حاکمیت قانون و صدور رأی عادلانه، می‌تواند موجبات پیشگیری از بزه‌کاری‌های مشابه را فراهم آورد؛ دوم، ضمن بررسی پرونده‌های مجرمین، به اطلاعاتی در زمینه نحوه و چگونگی ارتکاب جرم از سوی مجرمین دست می‌یابد که می‌تواند منتج به شناسایی نقاط قوت و ضعف قوانین و مقررات گشته و از طریق جلسات سران سه قوه و همچنین، تقدیم لایحه و یا طرح، در جهت رفع نقایص، گامی اساسی بردارد.

آنچه که باید در این تغییر و تحول مطمح نظر نهادهای مربوط قرار گیرد، این است که مهم‌ترین اثرات اقتصادی امنیت، در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، منصرف از کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری، بحث مخاطره است. بر این مبناء، صاحبان سرمایه در فضای نامناسب و دارای مخاطره، فعالیت نمی‌کنند؛ بنابراین، ایجاد اطمینان و امنیت در کشورها، برای حضور روزافزون سرمایه‌گذاران، امری ضروری است.

### ۳. حوزه امنیت غذایی

امنیت غذایی به وضعیتی گفته می‌شود که همه افراد، در هر زمانی، از دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی برخوردار باشند؛ بنابراین، برای تأمین امنیت غذایی، وجود و تولید مقادیر کافی غذا، اطمینان از تأمین مغذی‌ها، توان خرید برای غذا و تضمین فراهم‌بودن همیشگی مقادیری از غذا الزامی است؛ بر این اساس، هرگونه نقصان و کاستی در حوزه‌های امنیتی زیست‌محیطی و اقتصادی، موجب ایجاد ناامنی در حوزه غذایی شده‌است و امنیت‌های بهداشتی، شخصی و اجتماعی نیز در نتیجه ناامنی غذایی متأثر خواهند شد.

اگرچه عمده تهدیدهای این حوزه به مأموریت‌های فعلی پلیس چندان ارتباطی ندارد اما باید اذعان داشت که بر نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی که از وظایف اصلی و ذاتی پلیس است، تأثیرات منفی خواهند داشت؛ با این وجود، مهم‌ترین وظایف پیشگیری اجتماعی و وضعی این حوزه امنیتی برعهده دولت است؛ بنابراین، یکی از حوزه‌هایی که انتظار می‌رود در چارچوب گفتمان امنیت‌انسانی، دستخوش تغییر گردد، حوزه امنیت غذایی خواهد بود. از آنجا که این حوزه امنیتی، پایه و اساس حیات، بقا و کرامت انسانی مورد تأکید دکترین امنیت‌انسانی بوده و به تعبیری، مردن بر اثر گرسنگی، به‌مثابه قتل عمد است و گرفتار شدن به سوء‌تغذیه شدید و جدی و گرسنگی مزمن و پایدار، مصداق نقض حق اساسی حیات است؛ بنابراین، مستلزم گام‌های فوری و پایدار برای اطمینان از "حق بنیادین رهایی از گرسنگی و سوء‌تغذیه" به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان است.

تأمین امنیت غذایی و انجام تغییرات در این حوزه به عنوان یک حق بنیادین «که وجود آنها مایه قوام و نبود آنها موجب زوال شخص یا شخصیت انسان می شود» (گرگی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۲۴)، امری ضروری است که لزوماً به معنای ایجاد ساختاری مستقل با عنوان پلیس امنیت غذایی نمی باشد؛ اما لازم است تا پیشگیری اجتماعی و وضعی، از سوی دولت و پلیس در جهت مقابله با ناامنی های غذایی مورد اهتمام قرار گیرد. در همین ارتباط، شایسته است تا سازمان استاندارد، به عنوان سازمانی مستقل، از سوی قانونگذار شناخته شود تا امنیت غذایی مردم، بیشتر تأمین گردد.

#### ۴. حوزه امنیت بهداشتی

مهم ترین عنصر و مؤلفه امنیت بهداشتی دکترین امنیت انسانی، حق بر سلامت و حق بر دریافت خدمات بهداشتی و درمانی است. حق بر سلامت، حقی فراگیر و عام و به معنای دسترسی به مراقبت های بهداشتی و مراکز بهداشتی و درمانی و شامل استحقاقات فردی است. انسان حق دارد که در محیط و جامعه ای سالم و امن زندگی کند؛ چراکه برخورداری از محیط زندگی و اجتماع سالم، لازمه رشد بالنده انسان است. دولت ها موظف هستند تا حد امکان، محیطی سالم را فراهم کنند تا شهروندان آنها بتوانند در چنین محیطی، حیاتی همراه با سلامتی و رفاه داشته باشند. باتوجه به تأثیر و تأثر مؤلفه های امنیت انسانی بر هم و برنظم و امنیت، باید گفت که هرگونه نقصان و کاستی در حوزه های امنیت زیست محیطی، اقتصادی و غذایی، موجب ایجاد ناامنی در حوزه بهداشتی شده و به دنبال آن، شاخه های دیگر امنیت مانند امنیت شخصی نیز ناامن خواهند شد؛ باین وجود، از آنجا که دولت و به ویژه وزارت بهداشت، متولی اصلی تأمین امنیت بهداشتی است، بنابراین، فقط بخشی از تهدیدهای این حوزه، در ذیل مأموریت های پلیس قرار می گیرد. اما عدم حصول نتیجه مطلوب در تأمین امنیت بهداشتی، بیش از آنکه به پلیس مرتبط باشد، به دولت که متولی اصلی تأمین این امنیت است و میزان همکاری دستگاه های متولی بهداشت ارتباط دارد؛ زیرا امروزه، رعایت حقوق سلامت عمومی به مثابه یک تکلیف جمعی به شمار می آید؛ به طوری که حمایت از موازین آن، تا مرز تعهد به نتیجه گسترش یافته است. در این معنا، تعهد به همکاری بین دولت ها در جهت دستیابی به اهداف سلامت و بهداشت عمومی، پیش شرط هرگونه اقدام موثر در زمینه مقابله با چالش های امنیت انسانی دنیای معاصر است، اما این همکاری باید به مثابه یک تعهد الزام آور حقوقی مطرح شود؛ بنابراین، اقدامات دولت در قبال حق بر سلامت، از سه بعد تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفاست. تعهد به احترام - که در حقیقت، بعد سلبی تعهدات حقوق سلامت عمومی است - بدین معنی است که دولت نه تنها نباید در مسیر بهره مندی افراد از چنین

حقی، موانع و محدودیت ایجاد نماید بلکه باید تمام موانع و تهدیدهای موجود را نیز مرتفع سازد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی خود، مصادیق مربوط به این نوع تعهد را در خصوص حق بر سلامت به تعهد به خودداری از منع یا محدود کردن دسترسی برابر همه اشخاص به خدمات پیشگیرانه و ... می داند (UN Doc, 2000, Para. 34). نوع دوم تعهدات در خصوص حق بر سلامت، تعهد به حمایت است که متضمن اجتناب از نقض چنین حقی و بازداشتن دیگران از نقض آن می باشد و ناظر بر تعهدات دولت‌ها به حفظ و حمایت از این حق در برابر تعرض و نقض آنها از سوی دولت یا اشخاص خصوصی است. نوع سوم تعهدات، تعهد به ایفا است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تحلیل این نوع از تعهدات، برخی از مصادیق آن را برشمرده است؛ برای نمونه، می توان به تضمین ارائه مراقبت‌های سلامت عمومی نظیر برنامه‌های ایمن سازی در برابر بیماری‌های واگیردار، تضمین دسترسی برای همگان به معیارهای اصلی سلامت و بهداشت عمومی مانند دسترسی به آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مناسب، تدارک نظام پوشش بیمه عمومی و خصوصی یا مختلط و ارتقای تحقیقات پزشکی اشاره کرد (Pavlos, 2012, 72). با این توصیف، یکی از حوزه‌هایی که انتظار می رود در چارچوب دکترین امنیت انسانی، دستخوش تغییر و تحول گردد، همین حوزه است. این اصلاح، مستلزم تغییر در اسناد بالادستی و قوانین و مقررات موضوعه می باشد؛ به نحوی که متضمن سه نوع تعهد (احترام، حمایت و ایفا) باشد و در این صورت است که حق بر سلامت، تضمین، امنیت انسانی محقق و به تبع آن، آسایش عمومی و فردی شهروندان نیز تأمین و نظم و امنیت مورد نظر جامعه و قانون گذار، استقرار خواهد یافت.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

از بررسی تهدیدهای مطرح در ابعاد زیست محیطی، اقتصادی، غذایی و بهداشتی می توان بیان نمود که همه این تهدیدها، قابلیت جانمایی و انطباق با وظایف اصلی و تبعی پلیس را ندارد؛ اما تحقیقاً نامنی‌های آنها بر وظایف و کارکرد پلیس تأثیرگذار است که این اثرگذاری در همه مولفه‌ها یکسان نبوده و دارای فراز و فرود است. از آنجا که مقابله با تهدیدهایی این چنین، فراتر از توان یک سازمان مجری قانون و حافظ نظم و امنیت است، از این رو، در مقام پاسخ به سوال پژوهش حاضر که «تحول در وظایف و اختیارات پلیس متأثر از رویکرد رهایی از نیاز چگونه ممکن خواهد شد؟» باید گفت که دولت باید اهداف و برنامه‌های شفاف خود را معطوف به منافع و مصالح عمومی جامعه، به نحوی دنبال نماید و روندی ایجاد شود که در جهت و برای آحاد جامعه، اقدامات مقتضی

در قالب برنامه‌های کوتاه، میان و بلندمدت انجام پذیرد؛ چراکه برقراری نظم و امنیت عمومی، بر رضایت مردم متکی است. بدین ترتیب، تحول در وظایف و اختیارات پلیس جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد‌هایی از نیاز، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ اما از آنجا که کلیه مولفه‌های امنیت انسانی قابلیت انطباق و جانمایی در وظایف و اختیارات پلیس را نداشته و سازمان پلیس هم به لحاظ کمی و کیفی توان مقابله با همه ناامنی‌ها و تهدیدهای ناشی از مولفه‌های امنیت انسانی را ندارد و از طرف دیگر، منابع کافی و لازم برای پیگیری دستور کاری که دربردارنده همه مولفه‌های امنیت انسانی باشد، فعلاً وجود ندارد و چنانچه چنین تعهدی هم وجود داشته باشد، نیازمند ظرفیت‌سازی مهندسی اجتماعی است که در حال حاضر، بستر آن فراهم نیست و نظر به اینکه، لحاظ نمودن تمامی تهدیدهای دارای ارزش برابر، با فقدان آن تفاوتی نخواهد داشت، ناگزیر باید به اولویت‌گذاری متوسل شد؛ اما باید برای این اولویت‌گذاری، دستور کاری فراهم گردد که با ارجاع به مفهوم امنیت انسانی، بهترین مبنا را می‌توان تعریف ارائه‌شده برای امنیت انسانی (حفاظت از هسته حیاتی همه افراد بشر) برگزید. براین اساس، اولویت‌گذاری پیشنهادی این نوشتار به‌عنوان نوآوری پژوهش حاضر برای تحول در وظایف و اختیارات پلیس مبتنی بر رویکرد‌هایی از نیاز، "امنیت زیست‌محیطی، اقتصادی" تعیین می‌گردد؛ اما این اولویت‌گذاری به‌معنای خارج نمودن تهدیدهای دیگر از دستور کار و یا کم‌توجهی به آنها نبوده است بلکه این ارجحیت با استنتاج از یافته‌های پژوهش و اینکه اولویت پیشنهادی بیشتر متضمن خیر عمومی و منفعت عامه بوده و در صورت موفقیت مأموریت‌های پلیس در مهار و کنترل آنها، حوزه‌های دیگر نیز تا حدود زیادی به انتظام در خواهند آمد، صورت پذیرفته است.

از آنجا که جنس خدمات پلیسی، از جنس نتیجه است و نه اقدام صرف، بر این مبنا، خادمیت دولت و پلیس، وقتی محقق می‌شود که متضمن خلق اعتماد مردم در پرتو مسئولیت و پاسخ‌گویی در قبال مطالبات آنان باشد. از این رهگذر، هر خدمتی که به‌نحوی در جهت پاسخ‌گویی به منفعت عامه و مصلحت عمومی ارائه شود، مسئولیت‌پذیری تلقی می‌شود. شرط لازم برای رسیدن به چنین پلیسی، اقتدار و انضباط است که در سایه ارتباطی نزدیک با مردم معنی و مفهوم می‌یابد. بر این اساس، پلیس، باید مطالبات مردم را ارزیابی و نسبت به آنها، پاسخ‌گو باشد، نتایج اقدامات خود را ارزیابی و مطابق با نیازهای جامعه اصلاح نماید. در استراتژی جدید، جامعه خواهان بازدارنده بودن پلیس است. در این دوره، پلیس به‌دنبال برقراری یک رابطه نزدیک با آحاد مردم است؛ از این رو، باید مشارکت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، اثربخشی و حاکمیت قانون ناظر بر فرآیند حکمرانی

مطلوب، شالوده وظایف و اختیارات او شود که در پرتو آن، فقط به آنچه انجام شده است، بسنده نشود، بلکه هوشیارانه از آنچه باید می‌شده و نشده است، پرسش شود که از آثار آن، افزایش اعتماد به پلیس، تشدید همبستگی اجتماعی، نظام‌مندی بیشتر فرآیند تأمین نظم و امنیت خواهد بود. بنابراین، پلیس برای دست‌یابی به نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، مبتنی بر دکرترین امنیت‌انسانی، چاره‌ای جز اجرای الگوی امنیت مشارکتی یا انتظام مشارکتی ندارد؛ اما آنچه مهم می‌نماید، فراهم‌سازی تمهیدات لازم برای تأمین امنیت مشارکتی است. از این رهگذر، لازم است تا ساختار عملکردی و اجرایی پلیس در سایه همکاری و تعامل نهادهای مردمی با این سازمان و برون‌سپاری برخی از خدمات بازتعریف شود. تحقق امنیت عمومی در کشور تحت چنین شرایطی، نیازمند اتخاذ استراتژی پویایی است که بتواند علاوه بر پاسخ‌گویی به مطالبات جدید مردم، نگرش سنتی آنان را نسبت به پلیس دگرگون سازد. این استراتژی ناگزیر از به‌کارگیری سازوکارهایی است که ضمن ایجاد تغییر در نگاه پلیس به مردم و افزایش اعتماد عمومی، نگاهی فراسامانی را در ایجاد امنیت و خاصه احساس امنیت، تضمین کند.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- اسمعیل‌پور، حامد و همکاران (۱۳۹۳)، "کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی"، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هشتم، شماره ۸۶، صص ۳۳ - ۷
- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳)، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- آقاخانی، بهزاد و همکاران (۱۳۹۴)، مسئولیت کیفری پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی، تهران، انتشارات معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی ناجا
- تاموشات، کریستیان (۱۳۹۱)، حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان
- جهان‌بین، داریوش (۱۳۸۲)، "نقش رسانه‌ها در کنترل و امنیت اجتماعی"، مجله حقوقی دادگستری، دوره شصت و هفتم، شماره ۴۳، صص ۱۱۹ - ۹۳
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۲)، زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، تهران، نشر میزان

- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۷)، حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران، میزان
- شریفی طرازکوهی، حسین و جواد مصطفی‌لو (۱۳۹۵)، "مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی"، مجله آفاق امنیت، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۱۰۵-۱۴۳
- شیپهان، مایکل (۱۳۹۵)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- صفری کاکرودی، عابدین (۱۳۹۵)، موانع مسئولیت کیفری مأموران پلیس، تهران، میزان
- صمدی، مائده و همکاران (۱۳۹۶)، "تحقق امنیت انسانی در پرتو حکمرانی مطلوب"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳۳، صص ۳۶۳-۳۸۱
- عزتی، مرتضی و همکاران (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس
- عسکری‌زاده کلسری، معصومه (۱۳۹۶)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل توسعه، تهران، انتشارات خرسندی
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات جاویدان
- عمیدزنجانی، عباسعلی (بی‌تا)، مبانی فقهی حقوق اساسی، تهران: نشر میزان
- فن تیگروستروم، باربارا (۱۳۹۳)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران، مجد
- قادری حاجت، مصطفی و همکاران (۱۳۸۹)، "تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون: مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره ۳
- کوشا، جعفر و همکاران (۱۳۹۷)، "سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی"، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۲، صص ۱۶۰ - ۱۲۹
- گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل
- ماندل، رابرت (۱۳۹۶)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت
- محسنی، علی و همکاران (۱۳۹۷)، "تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۲۶ - ۹۹
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر

- ویلیام سون، تام (۱۳۹۲)، راهنمای پلیس دانش محور، ترجمه علیرضا جزینی و ثمر احتشامی، تهران، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا

### منابع انگلیسی

- Beheshti, H(2011).The prospective environmental impacts of Iran nuclearenergy expansion, Energy Policy, Volume 39, Issue 10, October.
- European Commission of Human Rights(2018). X v. United Kingdom, No.5877/72.
- FAO(2020). Security a Reappraisal of the Concepts and Approaches,Italy: Director Generals Report, FAO.
- Fontanel, Jacques, Corvaisier, Benedicte-Drouart,(2014). “For a General Concept of Economic and Human Security”,in book: The Evolving Boundaries of Defence: An Assessment of Recent Shifts in Defence Activities, pp:75-96.
- Himawan bayu patriadi, Mohd. Zaini Abu bakar, Zahri Hamat,(2015).Hrsecurity in local wisdom perspective: “pesantren and its responsibility to protect people”, journal procedia Environmental Sciences, publisher Elsevier, volume 28,pp 100-105.
- Human security center, human security report(2005), war and peace in 21 st century, New York, oxford university press,(2005), p VIII.
- Raimzhanova, Aigerim(2015). Power in IR: Hard, Soft, and Smart, Institute for Cultural Diplomacy and the University of Bucharest, December.
- RAND(2016). Developing the pardee RAND food- Energy- Water Security Index, Toward a Global Standardizwd, Quantitative and Transparent Resource Assesment.
- UNDP(United Nations Development Program)(1993). Human Development Report, New York: Oxford University Press.
- UNDP(United Nations Development Program)(1994). Human Development Report, New York: Oxford University Press.